تفسیر قرآن کریم: آئینه عبرت (سوره توبه آیه 66 - 72)

کالذین من قبلکم کانوا اشد منکم قوة و اکثر اموالا و اولادا فاستمتعوا بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقکم‏ کما استمتع الذین من قبلکم بخلاقهم و خضتم کالذی‏ خاضوا اولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرة و اولئک‏ هم الخاسرون.

شما ای جمعیت منافقان مانند کسانی هستید که در گذشته(در روی‏ زمین)زندگی میکردند ولی از شما نیرومندتر و اموال و اولاد آنها فزونتر بود،از نصیب خود برخوردار شدند،شما نیز از نصیب خویش بسان‏ گذشتگان برخوردار گشتید،و مانند پیشینیان(در مطالب باطل و بی- اساس)غوطه‏ور شدید؛اعمال آنها در دنیا و آخرت نابود شده و آنان‏ زیانکارانند.

70-

الم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و المؤتفکات اتتهم رسلهم‏ بالبینات فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون

:مگر خبر کسانیکه پیش از آنها زندگی میکردند مانند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین،و دهکده‏های واژگون شده،بآنها نرسیده است؟پیامبران،آنها را با ادله محکم تبلیغ نمودند(ولی سرپیچی‏ نمودند)چنین نبود که خدا آنها را ستم کند؛بلکه خود آنها خویشتن‏ را ستم میکردند.

زندگی پرغوغای فرزندان آدم در کره زمین نفیس‏ترین مجموعه‏ایست که بشر میتواند از آن استفاده‏ها بنماید،زورمندان،نیرومندان،صاحبان ثروت و مکنت،رؤسای ایل و قبیله‏ سران کشورها و ممالک،چند صباحی در این جهان زیسته؛و در نتیجه سر در نقاب خاک کشیده‏اند و آن‏قدرت و نیرو،زندگی را برای آنان در این دنیا جاویدان نساخت؛با داشتن کاخهای‏ سر بفلک کشیده و خانه‏های زیبا و آراسته بالاخره در دل خاک منزل گرفتند و خود را در برابر چنگالهای درندهء مرگ زبون و ناتوان دیدند.

ظواهر فریبنده طبیعت؛آنها را بخود مشغول ساخت و مجال هرگونه فکر را جز فکر جمع نیرو و قدرت؛گردآوری زینت و ثروت؛از آنها سلب نمود،و از این رهگذر جز لذایذ آنی؛و زود- گذر چیزی دستگیرشان نشد قرآن نام این لذتهای زودگذر را«استمتاع»گذارده چنانکه میفرماید:

استمتع الذین من قبلکم بخلاقهم:

از آنچه در اختیار داشتند؛برخوردار شدند؛و در روز آخر،روز پایان زندگی دنیوی،با یک عالم حسرت،چشم از این جهان پوشیدند؛و طبعا فراق و جدائی از این مظاهر لذت‏بخش برای کسانیکه آینده درخشانی برای خود نمی‏بینند، فوق‏العاده سخت جانگداز است چنانکه میفرماید:

انما یرید الله ان یعذبهم بها فی الدنیا و تزهق انفسهم وهم کافرون

(توبه-55)خدا میخواهد آنها را با دادن اموال و اولاد معذب بسازد؛و در حالی که کافرند جانشان را بگیرد.

خداوند عالم در قرآن در پاره‏ای از موارد؛آیندگانرا بزندگی گذشتگان توجه داده‏ و مکرر بر مکر دستور میدهد که از هلاک و نابودی اقوامی که از هر نظر از شماها بالاتر بودند؛ پند بگیرند و بدانند آنان با آن عظمت نتوانستند جلو اراده قاهر ربوبی را بگیرند؛و بالاخره‏ در برابر قضا و تقدیر الهی تسلیم گردیدند اینک بعنوان نمونه؛آیه‏ای را نقل میکنیم

اولم‏ یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم و کانوا اشد منهم‏ قوة و ما کان الله لیعجزه من شی‏ء فی السموات و لا فی الارض انه کان علیما قدیرا

(فاطر 44)آیا در روی زمین نگشته‏اند تا بنگرند عاقبت کسانی که پیش از آنان‏ زندگی میکردند؛و در نیرو از آنها افزونتر بودند؛چه رقم شده است هیچ موجود زمینی‏ و آسمانی خدا را ناتوان نمیسازد؛خدا دانا و توانا است.

مطالعه حالات گذشتگان از نظر زبونی در برابر سیل حوادث بقدری اهمیت دارد؛که‏ کتاب آسمانی ما آنرا؛در سوره‏های:قصص؛روم؛غافر،فصلت،ق،و...بطورمکرر گوشزد میکند و در این سوره که روی سخن با منافقان است،نیز این مطلب را یادآور میشود چنانکه ملاحظه میفرمائید.

نکته قابل‏توجه یا حبط اعمال

نکته قابل‏توجه در آیه 69؛مسئله حبط اعمال است؛اصولا این بحث؛یک بحث‏ کلامی است؛گروهی معتقد بر آن شده و عده‏ای در صدد انکار و تأویل آیاتیکه؛بحسب ظاهر دال‏ بر حبط اعمال است،برآمده‏اند؛از آنجا که بحث ما یک بحث تفسیریست محور بحث را آیات‏ قرآنی قرار میدهیم و از بحث عقلی خود را کنار میکشیم.

از آیات قرآن استفاده میشود؛برخی از معاصی سبب میشود که تمام حسنات دنیوی و اخروی‏ انسان حبط و بی‏اثر گردد مانند ارتداد؛و خروج از دین اسلام چنانکه میفرماید:

و من یرتد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخرة

(بقره-217):هر مسلمانی از دین خود برگردد؛و در حال کفر مرگ او فرا رسد؛چنین افراد اعمالشان در دنیا و آخرت باطل گشته است.مقصود اینست که تمام اعمال و عبادات و طاعات‏ آنها از نظر نتیجه نابود میگردد،و نقطه مقابل«ارتداد»همان اسلام و توبه است،که وسیله‏ محو سیئات و بخشوده شدن تمام گناهانست چنانکه میفرماید:

یا عبادی الذین اسرفوا علی‏ انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا:

(زمر-55):ای‏ بندگان من که درباره خویش زیاده‏روی کرده‏اید(و پا از حریم:محرمات فراتر نهاده‏اید؛ از رحمت خدا نومید مباشید؛براستی خدا بخشاینده تمام گناهان است،و از برخی از آیات‏ استفاده میشود،که مخالفت با رسولخدا و یا داد زدن پیش پیامبر اکرم،سبب حبط اعمال و نابودی‏ ثواب کردارهای نیک انسان میگردد،چنانکه میفرماید:

ان الذین کفروا و صدوا عن‏ سبیل الله و شاقوا الرسول من بعد ما تبین لهم الهدی لن یضرو الله شیئا و سیحبط اعمالهم

(محمد-33):کسانیکه پس از روشن شدن حق کفر ورزیده‏اند،و از راه خدا منحرف‏ شده‏اند با پیامبر مخالفت کرده‏اند بهیچ‏وجه خدا را زیانی نمیزنند،و اعمالشان محو خواهد گردید و در سوره حجرات در آیه-2-میفرماید:

لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی و ...ان تحبط اعمالکم:

پیش رسولخدا داد نزنید...مبادا اعمالتان محو گردد. دانشمندان اسلام دربارهء احکام معاصی در اسلام سخنان زیادی دارند؛که شرح آن از قلمرو مقاله بیرونست.

نمونه‏هائی از اقوام گذشته

سپس برای یادآوری،سرگذشت گروهی را در آیه هفتاد بطور اجمال بیان نموده و در بسیاری از سوره‏ها سرگذشت این گروه را بطور مشروح بیان نموده است.

1-قوم نوح که بوسیله طوفان جهان‏گیر غرق شدند،2«عاد»که باد مسمومی همه آنها را هلاک نمود،3-«ثمود»که بوسیله صیحه آسمانی بدیار مرگ رهسپار شدند؛4-قوم ابراهیم‏ که نعمت را از آنها سلب نمود و سلطان آنان«نمرود»را هلاک ساخت؛-5-قوم لوط-که بوسیله‏ خسف قری و قصبه‏های آنها را زیرورو نمود،

فجعلنا عالیها سافلها.

مظهربارزی از عدالت اجتماعی اسلام

نمونه بارزی از عدالت اجتماعی اسلام؛اینست که زن و مرد را از نظر اجر أخروی‏ شریک کرده است و آشکارا بیان فرموده که مرد و زن مؤمن که نیکوکار باشند به پاداش اعمال‏ خویشتن،در دنیا و آخرت میرسند،و این مطلب را صریحا در مواردی از قرآن بیان نموده است‏ از آنجمله سورهء نحل آیه 97؛

من عمل صالحا من ذکر اوانثی و هو مؤمن من فلنحیینه‏ حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون:

مرد و زن مؤمن هرگاه‏ عمل شایسته و صالحی انجام دهند آنها را زندگی پاکیزه‏ای می‏بخشیم و بوجه شایسته‏تری پاداش‏ خواهیم داد؛

اسلام با وضع این قانون جهانی را تکان داد،که برای زن روح انسانی قائل نبودند؛و میگفتند زن موجودیست برزخ میان حیوان و انسان،از دائرهء حیوانیت تجاوز نموده و بحد انسانیت نرسیده است؛و در این سوره در آیه 72 مردان و زنان مؤمن را با خطاب زیر مخاطب‏ ساخته است:

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار؛ خالدین فیها و مساکن طیبة فی جنات عدن:

خدا بزنان!!و مردان مؤمن بهشتها وعده‏ داده که جویها در آن روانست و جاودانه در آن هستند....چنانکه ملاحظه میشود،زن و مرد را از نظر پاداش اعمال و افعال مثل هم شمرده؛و هرکسی از روی ایمان،عملی را انجام دهد خواه زن باشد یا مرد،پاداش عمل خود را خواهد دید.

و در آخر آیه به نکته‏ای اشاره فرموده که برخی از آن غافلند و آن اینکه

و رضوان من‏ الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم:

رضایت الهی بزرگترین پاداش است.بسیاری از مردم‏ که عبادات آنها بمنظور پاداشهائی است که در کتاب و حدیث،در برابر آنها تعیین شده است این‏ سنخ پرستش در عین اینکه،یک عمل قابل احترام و توجهی است مخصوص گروهی است که روح‏ خداپرستی در آنها؛بسرحد کمال نرسیده باشد،و در روایات ما از این عبادت به«ذلک‏ عبادة الاجراء»یادآوری شده است،ولی کسانی هستند که روح خداشناسی آنها بسرحد کمال رسیده،کمال مطلق را دوست دارند،علاقه‏ی تامی به ذات اقدس او دارند،تحصیل رضایت‏ او را فوق تمام لذایذ میدانند؛محرکی جز شایستگی او به پرستش کردن،چیز دیگری ندارند، آنان همان افرادی هستند که میگویند:ما عبدناک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک‏ بل وجدناک اهلا للعبادة:پرستش ما برای ترس از دوزخ و طمع در بهشت تو؛نبوده؛ بلکه اهلیت و شایستگی ذاتی تو؛سبب شد که ما ترا پرستش کنیم.البته،افراد این گروه؛ کم و در اقلیتند گروه مخصوصی رهروان این راه سعادتند چنانکه از مولی الموالی امیر مؤمنان‏ چنین مضمونی نقل شده است.

ناگفته نماند؛همچنانکه زن و مرد مؤمن را از نظر پاداش یکسان گرفته است همچنین، زن و مرد منافق را از نظر کیفر؛متساوی قرار داده است؛چنانکه میفرماید:

وعد الله‏ المنافقین و المنافقات و الکفار نار جهنم خالدین فیها هی حسبهم و لعنهم الله‏ و لهم عذاب مقیم

(توبه 68)خدا مرد و زن منافق و کافران را وعده دوزخ داده که همیشه در آن هستند،آنانرا از حریم رحمت خود دور نموده و عذاب دائم در انتظار آنها است.

قوای طبیعی قانون را نقض می‏کند!

«آمار اداره قضائی تهران نشان می‏دهد که طی همین تاریخ 218 نفر از«شاه داماد»ها سنشان کمتر از 18 سال و نیم تمام بوده است در حالیکه‏ تعداد دخترانی که با سن کمتر از(15)سال تمام بخانه شوهر رفته‏اند 3062 نقر می‏باشد.

این امر بخوبی نشان می‏دهد که برخلاف گفته زنها آتش خانمها برای‏ رفتن بخانه شوهر خیلی تند و تیزتر از آقایان برای گرفتن زن است...»